

# دکتر محسن شاملو

## ناگفته های ادب فارسی

هنوز هم گروهی از ادبای کشور در تلاش آنند که سعدی را از «آزادگی» و حافظ را از «رندی» در بیاورند و قید مشرب را بپای این و بند مذهب را بگردن آن بیندازند .

پاره ای از این گروه بر این عقیده اند که سعدی شافعی مذهب بوده است و دلیل می آورند که چون وی مدرسه نظامیه بغداد را دیده و بانی نظامیه خواجه نظام الملک وزیر ملک شاه سلجوقی از پیروان شافعی بوده است بنا بر این سعدی نیز به شافعی عشق می ورزیده و در آیین محمد بن ادریس شافعی گام برمی داشته است .

برخی دیگر که پای بند اختلاف حنفی و شافعی نیستند به راه محمود بن محمد بن حسین اصفهانی مؤلف دستور الوزاره می روند و اعتقاد می ورزند که در آن دو مقتدای شرع و دورهنمای اصل و فرع ، دوزهاب چشمه ایمان ، دوناخدای بحر قرآن ، دومنبع لطف و احسان

شافعی و نعمان رضی الله عنهما ، برای شناخت حقیقت از يك آبشخور  
 آب می خورده و برای وصول به حق بيك راه (۱) می رفته اند .  
 درگیر و دار این گفت و شنودها پاره‌ای دیگر که مذهب را امری درونی و درون  
 شکافی را دور از نقد ادبی می دانند سعدی را وارسته‌ای خداشناس و آزاده‌ای  
 حقیقت جو می شمارند و برای رهایی از جنگ و جدل و دوری از گذرگاه  
 مسلک و مذهب بگفته‌وی تو سل می جویند.

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

این مدعیان در طلبش بی خبرانند

کانرا که خبر شد خبری باز نیامد

آیا حافظ ، آن مست باده حقیقت که حافظ عشق ازلی و جویای

اسرار الهی است در قیل و قال یقین مذهب و حدس و گمان تشخیص آیین

نمی گنجد و از این گفته :

۱ - در قرن ۶ و ۷ هجری در بعضی از شهرهای ایران از جمله اصفهان

گروهی بنام شافعی و دسته‌ای بنام حنفی بعنوان زنده داشت «دین حق» بجان

یکدیگر می افتند و خونهای فراوان می ریزند و خانه‌های بیشمار ویران میکنند

و بیگناهان بسیار از پای در می آورند ، آثار این دودستگی در اشعار پاره‌ای

از شعرای این دوره منعکس است مانند قطعه زیر :

هر دو را عقل خوانده شمس و قمر هر دو را شمس گفته سمع و بصر

نکند جز منافقی بد دین ذم آن از پی تعصب این

گر ز تو شافعی بازار است بو حنیفه خود از تو بیزار است

و رتو از بو حنیفه بی خبری شافعی از وجود تست بری

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه  
 چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند  
 دست بر نمی دارد و خط بطلان بر این شعر:  
 گر مسلمانی از اینست که حافظ دارد  
 وای اگر از پس امروز بود فردایی (۱)  
 نمی‌کشد و کلامش را از این طعن:  
 حافظ مکن ملامت رندان که در ازل  
 ما را خدا ز زهد و ریایی نیاز کرد (۲)

۱ - بر اثر تحریک عماد فقیه شاعرو صومعه‌دار معروف کرمان (متوفای ۷۷۳ هجری) شاه شجاع امیر فارس نسبت به حافظ تنبیه عقیدت می‌دهد و در مقام ایذای شاعر برمی‌آید و غزلی که به مطلع:  
 در همه دیر منان نیست چو من شیدایی خرقه جایی گرو باد و دفتر جایی  
 و بمقطع:  
 گر مسلمانی ازینست که حافظ دارد آه اگر از پس امروز بود فردایی  
 سروده بود بهانه قرار می‌دهد و او را منکر وقوع قیامت می‌خواند و در صدد برمی‌آید فتوای علمارا بر تکفیروی بدست آورد ولی حافظ بر اهنمایی شیخ -  
 زین العابدین ابوبکر تایبادی هراتی که بمقصد سفر حج به شیراز آمده بود  
 نیست.

این‌جا، شمشیر چه خوش آمد که سحر گه می‌گفت

بر در می‌کده‌ای بادف و نی ترسایی  
 را بر غزل می‌افزاید تا شعر مقطع از زبان دیگری بیان و لکه کفر از  
 دامن او پاک شود.  
 ۲ - این بیت مقطع غزلی است که حافظ درباره عماد فقیه کرمانی گفته  
 است باین مطلع:  
 صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد بنیاد مکر با فلک حقه باز کرد

تهی نمی‌کند و حقیقت را بدست مجاز و قلب را بگروی این و آن نمی‌سپارد و سررا از سر خدا جدا و نسخه را آمیخته به سالوس و ریا و گفته را آلوده به تزویر و دعا نمیسازد.

باید فهمید اینهمه تلاش و کوشش بتحقیق و تتبع برای شکافتن درون سعدی و حافظ و یافتن کیش و آیین این دو سخنور نامی برای ادب فارسی چه سود و بهره‌ای دارد و کدام کمبود گنجینه این زبان را جبران می‌کند؟

مگر پژوهندگان زبان و گنجینه‌داران ادب فارسی در اندیشه آنند که بدنبال تعیین سبک‌های سراینده‌گی و نویسندگی که از اهم ضروریات زبان فارسی است سبکی هم بنام و سبک منبر و محراب برگزینند و گفته‌های سعدی و حافظ را با آن بسنجند؟

مگر کسری و لنگی زبان فارسی منحصر باینست که مذهب و مشرب سعدی و حافظ شناخته و این مشکل عظیم حل و این گرفتاری بزرگ از پیش پای ادبای زبان فارسی برداشته شود؟ مگر شناسایی کیش و آیین سخنور به اعتبار نسخه می‌افزاید یا از ارزش آن میکاهد که دو ستداران سعدی و حافظ در بند یافتن دین و آیین آندواند و برای دستیابی به محتوای قلب آنان این درو آندر می‌زنند؟

آنانکه ترجمه اشعار (۱) خیام را می‌خوانند و از گفته‌های او

۱ - ترجمه اشعار خیام توسط فیتر جردال Fitz Gerald (۱۸۰۹-۱۸۸۳)

هنگامی انجام و در اروپا انتشار یافت که نظریه تکامل لامارک فرانسوی Lamark و داروین انگلیسی . Charles Darwin در آرای تعبدی مذهب کاتولیک

لذت میبردند از دین این شاعرییخبرند و کسانیکه «کمدی الهی» دانته را مطالعه میکنند از مذهب این خلاق سخن ناآگاه، زیرا خواننده به سخن توجه دارند دین سخور و از نوشته لذت میبرد نه مذهب نویسنده گفته‌هایی که هرگز کهنه نمیشوند و برای همیشه به مردم لذت میبخشند سخنانی هستند که از قلب برمیخیزند و ریب و ریایی ندارند بنابراین در ترسیم ندای قلب کیش رنگی و برای نشان دادن هیجان‌ات روحی آیین نقشی ندارد بدینجهت دسترسی به درون این منبع زبان آفرینی و شکافتن این منشأ سخنوری خالی از اشکال نیست و بسیار بجاست که بندگان عشق و جویندگان حقیقت را آزاد گذارد و گرد مسلك و مشرب و ملت و مذهب آنان نگشت سخن سعدی و حافظ از آنرو دلنشین است که ازدل بر می‌خیزد، این شعر:

«حافظ اگر سجده تو کرد مکن عیب

کافر عشق ای صنم گناه ندارد

→  
 و پروتستان تزلزل شدید بوجود آورده و دستاخیزی ملی علیه اوهام و خرافات دینی و فریب و سالوس کشیشان برپا کرده بود بدینجهت ترجمه انگلیسی اشعار خیام کمکی به مستی اساس تزویر و ریای کلیسا نمود و در مدت کوتاهی در محافل ادبی و فرهنگی اروپا شهرت یافت چنانکه در طول ۲۰ سال ۴ بار بطبع رسید.

۱ - کمدی الهی دانته شاعر ایتالیایی ۱۲۶۵ - ۱۳۲۱ میلادی :

Dante Alighieri La Divina Commedia در دو قسمت  
 دوزخ ( Inferna ) و بهشت ( Paradiso ) توسط آقای شجاع‌الدین  
 نفا از متن ایتالیایی ترجمه و در سالهای ۳۴ و ۱۳۳۵ خورشیدی چاپ  
 شده است.

بی آنکه دلیل شرک شاعر باشد ندای قلب پاک اوست، و این بیت:  
سلسله موی دوست حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست فارغ ازین ماجراست

بی شک حکایتی است ازدلی دردمند و آهنگی است از قلبی رنجیده... بنا بر این آثار جاودان هنر و ادب دنیا را با محک دین نمیتوان سنجید و ذوق خلاقان سخن را با انگاره آیین نمیتوان ارزیابی نمود، پولی تیا افلاطون، ایلیداهومر، نوشته‌های لامارتین، ولتر و شکسپیر ذاتاً ارزنده‌اند و بی آنکه رنگی از دین داشته باشند در مغزها جنجال و در قلبها هیجان بوجود می‌آورند و دل‌ها را تسکین و روح‌ها را آرامش می‌بخشند.

باری، آیین تراشی برای هنرمندان و سخنوران جز آنکه تعصبات دینی را برانگیزد و احساسات مذهبی را برافروزد و موجب کشمکش گردد نتیجه‌ای ندارد و چون خلاقان هنر و آفرینندگان سخن متعلق به ملت و جامعه خاص نیستند مصلحت آنست که در این راه گام بیهوده برداشته نشود و سخن نابجا گفته نشود و زشت و زبیای درون قلب آدمیان به خدای عالمیان واگذار گردد و گفته حافظ بر این دسته بس باشد.

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت

که گناه دگری بر تو نخواهند نوشت

من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش

هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

نا امیدم مکن از سابقه لطف ازل

تو پس پرده چه دانی که، که خوبست و که زشت

بنابر این پژوهندگان زبان فارسی بجای آنکه سراغ تعیین دین و

آیین سخنوران بروند و اوقات گرانهارا در این باره هدر کنند بهتر است در صدد جبران کمبودهای زبان فارسی بر آیند و به زبان نمکین سعدی و کلام آتشین حافظ رونقی بیشتر و شالوده‌ای استوارتر بخشند .

هنوز این زبان رسم خط معین، دستور جامع، سبک نویسندگی مشخص ندارد... هنوز زندگی مردم ادوار مختلف از لابلای گفته‌های گویندگان و نویسندگان روشن نگردیده و آینه ادب فارسی گوشه‌های تاریک اجتماع ایرانی را متجلی نساخته است .

هنوز ضرب المثل‌های فراوان زبان فارسی از آثار سخنورانی چون فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ بیرون کشیده نشده و از نظر تطور زبان عامیانه مورد مطالعه قرار نگرفته است (۱) ... هنوز تکیه-کلام‌های زبان فارسی در شرق و غرب، شمال و جنوب ایران جمع‌آوری و چگونگی گردش تاریخی آنان مشخص نشده (۲) است و... و...

شک نیست که رفع نقایص و جبران کمبودهای زبان فارسی علاوه بر آنکه از باب تحکیم مبانی زبان‌شناسی حائز کمال اهمیت است از نظر تکمیل گنجینه ادب فارسی نیز سودمند و مفید می‌باشد و بدون تردید ارزش علمی و ادبی و بهره‌برداری و نتیجه‌گیری این نوع پژوهش‌ها از بررسی کیش و آیین سخنوران نه تنها کمتر نیست بلکه واجد اعتباری بیشتر و نمودی چشمگیرتر به بسط و گسترش زبان و پرمایگی ادب فارسی کمک می‌کند و این زبان را بپایه زبانهای معتبر و مهم دنیا می‌رساند.

۱ - اقدام مرحوم دهخدا در باره جمع‌آوری پاره‌ای از ضرب‌المثل‌های فارسی را می‌توان مقدمه این کار قرارداد و از نظر علمی و تاریخی ضرب‌المثل‌های فارسی را تدوین نمود .

۲ - مقدسی مؤلف احسن‌التقاسیم در زیر عنوان «اقلیم الشرق» به برخی از تکیه‌کلام‌های زبان فارسی در ناحیه خراسان و خوارزم اشاره می‌کند .